

# بانک مسئول

با پیشرفت علم اقتصاد و گسترش نهادهای تخصصی پولی، مالی و سرمایه، این باور نادرست در میان برخی افراد رواج پیدا کرد که میان ثروت آفرینی و اخلاق مداری تضادی ماهوی وجود دارد. این باور بر این فرض استوار گردیده بود که اخلاق صرفاً با زهد و دنیاگریزی سازگار است و اگر انسان در پی کسب ثروت باشد به ناچار باید اخلاق و انسانیت را زیر پا بگذارد. نقطه اوج این کژراهه تاریخی را باید در تفکرات مارکسیستی جست و جو کرد. مارکسیسم، تفکری بود که ثروت و ثروت آفرینان را عاملان شر در دنیا معرفی و ادعا می کرد با حذف آنها بهشت زمینی در دنیا برقرار خواهد شد. با شکست قطعی تجربه مارکسیسم مشخص گردید که ثروت آفرینی نه تنها عامل فقر نیست بلکه نقشی مهم در فقرزدایی بر عهده دارد. بدون توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری، شغلی ایجاد نخواهد شد و بدون شغل و تولید ثروت، فقر میهمان ناخوانده دائمی بشر خواهد بود.

\*\*\*

صنعت بانکداری از جمله صناعی است که همواره مورد طعن و نفرین همان ناآگاهان بوده است. کسانی که از اهمیت و نقش کلیدی پول در حیات اقتصادی یک جامعه آگاهی ندارند، بانک و بانکداران را هیولاهایی می دانند که با غارت اموال مردم و راههای نامشروع گذران روزگار می کنند. فون میزس یکی از بزرگان مکتب اتریش در علم اقتصاد، به روشنی اهمیت پول را بیان کرده است. در همین حال او در کتاب "عمل انسانی" پایه هر عمل اقتصادی را محاسبه می داند و می گوید: بدون پول هیچ محاسبه ای امکان پذیر نخواهد بود چرا که برای هر محاسبه یک مبنای واحد مورد نیاز است و پول تنها مبنای مشترکی است که محاسبه را ممکن می کند. فرض کنید دو نفر پروژه مشترکی را به انجام می رسانند و یکی از آن دو محصول بهتری ارائه می دهد. در اینجا کارفرمای پروژه تنها با استفاده از ابزار پول است که می تواند با ارائه پاداش نابرابر، به تشویق فرد موفق تر بپردازد. به طور کلی توسعه و رونق اقتصادی بدون ابزار پول رویایی بیش نخواهد بود. حال که اهمیت پول تا بدین اندازه برای اقتصاد حیاتی است، آیا می توان اقتصادی را فرض کرد که بدون بانک به حیات خود ادامه دهد؟ بانک بر خلاف تصور عوامانه محل نگهداری پول نیست بلکه قلب اقتصادی یک جامعه است که با به جریان انداختن پول، فعالیتهای اقتصادی را ممکن می سازد. از یک سو پول به شکل انواع پس اندازهای مردم وارد بانکها شده و از سویی دیگر به شکل سرمایه لازم برای به حرکت درآوردن چرخهای صنعت و تجارت به جامعه تزریق می شود. بدون وجود این قلب تپنده محال است بتوان این همه رشد و شکوفایی اقتصادی در جهان امروز را حتی تصور نمود.

\*\*\*

با توجه به آنچه در خصوص نقش بانکها گفته شد، در پاسخ به این سوال که چه کسی صاحب بانک است، به طور کلی باید گفت تمامی مردم جامعه. مالکیت تک تک افراد جامعه بر بانکها به معنای منتفع شدن همه آنها از فعالیت های بانکهاست. بدون هیچگونه اغراق می توان ادعا کرد که امروزه هیچ جلوه ای از حیات مادی بشر بدون دخالت مستقیم یا غیرمستقیم بانکها مجال ظهور پیدا نمی کند. هر جاده ای که در آن رانندگی می کنیم، هر خودرویی که سوار آن می شویم، هر ساختمانی که در آن زندگی یا کار می کنیم تنها با گردش سرمایه بانکها امکان ساخته شدن داشته است. پس مالکیت در معنای گسترده و عام تفاوتی میان بانکهای خصوصی و دولتی نمی شناسد. اما در خصوص بانکهای خصوصی نکات ظریف دیگری هم به میان می آورد که به اهمیت و حساسیت نقش بانکها می افزاید.

\*\*\*

واضح است که تفاوت عمده یک بانک خصوصی با بانک دولتی در مالکیت حقوقی است. یک بانک خصوصی متعلق به سهامداران آن است که هر یک به نسبت تعداد سهامی که در دست دارند بخشی از مالکیت بانک را از آن خود می دانند. پدیده شگفتی آور بازار سهام به فرد فرد احاد جامعه اجازه می دهد بخشی از مالکیت هر شرکتی را که مایل هستند خریداری کرده و بدین ترتیب مستقیماً از محل فعالیتهای آن منتفع گردند. در نتیجه یک بانک خصوصی در وهله نخست باید نسبت به سهامداران خود پاسخگو بوده و در پایان یک سال مالی حداکثر سود را برای ایشان به ارمغان آورد. از سوی دیگر، بانک وکیل و امین سپرده گذاران بوده و متعهد است سپرده های آنها را در فعالیتهای مفید اقتصادی به کار ببندارد و پاداش صبر و اعتماد ایشان را به شایستگی پاسخ دهد. در این میان از نقش کارکنان بانکها نباید غافل شد. اینان جزو پرتلاش ترین افراد جامعه محسوب می شوند؛ افرادی که همه روزه تحت فشارهای گوناگون ناشی از فعالیتهای پولی و مالی که حساسیت آن فقط با وظایف پزشکان قابل مقایسه است - با امانتداری کامل به نقل و انتقال وجوه و گردش بهینه سرمایه در جامعه مشغول هستند. اگر یک بانک خصوصی از کارکنان خود غافل شود، اساس و بنیان خود را هدف گرفته است. چرخهای یک بانک خصوصی توسط این قشر خدوم و بی ادعا به حرکت در می آید که بعضاً می بایست انواع فشارها و سرزنشها را نیز تحمل کرده و پاسخگوی خیانت انگشت شمار افرادی باشند که حیثیت بانکداران را به بازی می گیرند. سرمایه انسانی و اجتماعی یک بانک همان پرسنل شایسته ای است که بی تردید یکی از صاحبان اصلی بانک تلقی می شوند. اما همانطور که ابتدا گفته شد، صاحب اصلی هر بانک مردم کشور هستند. هر چند که ظاهراً هدف عمده یک بانک خصوصی کسب سود و منفعت می باشد، اما نباید از یاد برد که سودی که بانک به دست می آورد عملاً با جامعه تقسیم می شود. سود بانک یعنی گردش سرمایه در جامعه و حرکت و توسعه اقتصادی کشور. بدون ارائه تسهیلات به صنعتگران چرخهای صنعت از حرکت بازمی ایستد و بدون گشایش اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه های بانکی، تجارت داخلی و بین المللی از رونق خواهد افتاد. امروزه خدمات بانکها به قدری گسترش یافته است که قطع این خدمات، حتی برای دقیقه ای، کل اقتصاد را فلج می کند. پس آنچه در انتها می توان به درستی بر آن تاکید کرد، این واقعیت است که بانک های خصوصی نیز مانند بانک های دولتی عملاً متعلق به جامعه هستند و همانطور که بانک بدون مردم قابل تصور نیست، امروزه بانک و بانکداری به چنان مقبولیت و کارآمدی دست یافته که جامعه بدون بانک نیز متصور نخواهد بود.

\*\*\*

بانک مسئول ، بانکی است که با حداکثر توان و تلاش، توسعه اقتصادی جامعه را تسهیل می کند. به تعبیر یکی از اقتصاددانان، بهترین کمکی که یک فعال اقتصادی می تواند به جامعه خود ارائه کند، همان فعالیت اقتصادی اوست. یک کارآفرین موفق با تخصیص بهینه منابع در فعالیتهای اقتصادی سودآور، تمامی جامعه را بهره مند می کند و یک بانکدار موفق نیز با تخصیص بهینه سرمایه به بخشهای مولد اقتصادی، چرخهای اقتصادی کشور را به حرکت در می آورد. در این میان اگر در کنار فعالیتهای اقتصادی، کارهای عام المنفعه نیز انجام شود ، بی تردید اعتبار و ارزش آن فعالیتها چندین برابر خواهد شد. بانک تجارت در سال های اخیر در کنار سابقه درخشان بانکداری داخلی و بین المللی ، چهره ای اخلاقی و انسانی نیز از خود به نمایش گذاشته است که می تواند الگویی ارزشمند برای سایر بانکها و فعالین اقتصادی باشد. در سالی که حماسه سیاسی را ملت رشید ایران با انتخاب دولت تدبیر و امید خلق کرده است، نظام بانکی کشور می تواند همسو با اهداف دولت منتخب نقشی بی بدیل در ایجاد حماسه اقتصادی داشته باشد و نشان دهد که بانکداری و مسئولیت اجتماعی از یکدیگر جداشدنی نیستند.